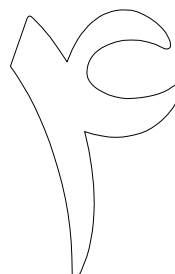


## روابط ویژه ایالات متحده - اسرائیل و سیاست خاورمیانه‌ای دولت باراک اوباما

\* دکتر محمدرضا ملکی

\*\* فرزاد محمدزاده ابراهیمی



---

\* دکتر محمدرضا ملکی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج می‌باشد.

(mrmaleki24@gmail.com)

\*\* فرزاد محمدزاده ابراهیمی کارشناس ارشد روابط بین الملل و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج می‌باشد.

تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۹/۲۰

فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹، صص ۱۳۶-۱۰۷.

## چکیده

با وجود فرازونشیب‌های موجود در روابط اسرائیل و ایالات متحده در شش دههٔ اخیر، ایالات متحده از زمان شناسایی اسرائیل تا به حال به‌عنوان مهم‌ترین متحد و پشتیبان اسرائیل در سطوح مختلف، در کنار این کشور بوده و تا آنجا پیش رفته که منافع متقابل این دو در شکل روابط ویژه نمود یافته است و تمام رؤسای جمهوری امریکا اعم از دموکرات یا جمهوری خواه تعهدات همه‌جانبه‌ای را در قبال امنیت اسرائیل پذیرفته‌اند. شکل‌گیری چنین رابطهٔ ویژه‌ای باعث شده تا در پیوند راهبردی دو کشور تغییر آن‌چنانی حاصل نشود. اسرائیل برای امریکا سرمایه‌ای استراتژیک محسوب می‌شود. نقش گروه‌های متنفذ و قدرتمند یهودی امریکا، منافع متقابل طرفین، وجود ارزش‌ها و نگرش‌های مشترک و تأثیر ساختارها، نهادها و سازوکارهای همسان بر رویکردهای سیاست داخلی و خارجی دو کشور و همین‌طور سیاست ابهام هسته‌ای<sup>۱</sup> اسرائیل از جمله عواملی هستند که در تقویت این روابط و ایجاد تفاهم بین دو کشور نقشی اساسی ایفا می‌کنند. باراک اوباما، رئیس‌جمهور کنونی ایالات متحده نیز ضمن حمایت خود از اسرائیل یادآور شده که در اتحاد دو کشور خللی وارد نخواهد شد. این مقاله روابط ویژهٔ ایالات متحده - اسرائیل و سیاست خاورمیانه‌ای دولت باراک اوباما را مورد بررسی قرار داده و بر تحکیم و تداوم رابطهٔ ویژه دو کشور در آینده نیز تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ایالات متحده، اسرائیل، سیاست ابهام هسته‌ای، گروه‌های متنفذ، یهودیان امریکا



## مقدمه

روابط ایالات متحده و اسرائیل بخش بسیار مهمی از سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده را تشکیل می‌دهد. کنگره ایالات متحده اهمیت فوق‌العاده‌ای را برای حفظ و گسترش این روابط قائل است. مهم‌ترین ویژگی این حمایت، میزان کمک‌های خارجی ارائه‌شده به اسرائیل است که به‌طور کامل تحت نظارت کنگره قرار دارد. اهمیت فوق‌العاده‌ای که کنگره امریکا برای اسرائیل قائل است، سیاست دولت‌های مختلف ایالات متحده را در ۶۰ سال اخیر تحت تأثیر قرار داده است. روابط دوسویه این دو، از سیاست همدردی و حمایتی ایالات متحده برای ایجاد موطن یهودی در ۱۹۴۸، تا برقراری روابط غیرعادی موجب شده که اسرائیل کوچک اما از نظر نظامی قدرتمند، به لحاظ اقتصادی و نظامی به ایالات متحده وابسته باشد. امریکا در تلاش است تا از این طریق در منطقه توازن ایجاد کند. برخی در ایالات متحده با یادآوری میزان کمک‌ها و تعهدات به اسرائیل، این اقدام ایالات متحده را به هزینه توسعه روابط با کشورهای مختلف عربی قلمداد می‌کنند. برخی دیگر نیز اسرائیل را متحد راهبردی ایالات متحده دانسته، رابطه نزدیک با اسرائیل را موجب ارتقای جایگاه ایالات متحده در خاورمیانه عنوان می‌کنند (Mark, 2002). اسرائیل یکی از دو متحد اصلی غیر ناتوی ایالات متحده در خاورمیانه محسوب می‌شود. در حال، به‌طور کلی می‌توان این‌گونه گفت که تاریخ روابط بین‌الملل تاکنون چنین رابطه‌ای را تجربه نکرده است (شون بام، ۱۳۸۱: ۲).

## شناسایی اولیه جنبش صهیونیسم (ناسیونالیسم یهودی)

بازگشت یهودیان به ارض موعود دارای ریشه‌های تاریخی و مذهبی است و به پیش از جنبش صهیونیسم و یا تأسیس دولت اسرائیل بازمی‌گردد. اعلامیه بالفور در

۱۹۱۷، هم جنبش صهیونیسم را تسریع و هم به آن مشروعیت داد. کنگره ایالات متحده طی مصوبه‌ای در ۲۱ سپتامبر ۱۹۲۲، حمایت خود را از تشکیل موطن یهودی در فلسطین اعلام کرد. (Rubenberg, 1986: 21) و ودرو ویلسون با ابراز تأسف از وضعیت نامساعد یهودیان در اروپا، اعلامیه بالفور را پذیرفت اما از صهیونیسم حمایت رسمی به عمل نیاورد (Wikipedia, 2010a). این سیاست تا پایان جنگ جهانی دوم ادامه یافت. طی جنگ جهانی دوم، سیاست خارجی ایالات متحده به شدت تحت تأثیر شرایط ویژه جنگ قرار داشت. پس از جنگ جهانی دوم شرایط جدیدی رقم خورد و ایالات متحده برخلاف دیدگاه عدم مداخله پیش از جنگ، بیش از پیش خود را درگیر موضوعات اقتصادی و سیاسی خاورمیانه کرد. ایالات متحده در این دوران، سیاست خود را در سه بخش تعریف می‌کرد به طوری که تأمین‌کننده منافع این کشور باشد؛ تهدید شوروی، تولد اسرائیل و نفت (Lenczowski, 1990: 6).

#### به رسمیت شناختن اسرائیل و روابط اولیه

در ۱۴ مه ۱۹۴۸، ایالات متحده به ریاست جمهوری ترومن، نخستین کشوری بود که دولت اسرائیل را به صورت دوفاکتو<sup>۱</sup> به رسمیت شناخت. شناسایی دوژوره<sup>۲</sup> نیز در ۳۱ ژانویه ۱۹۴۹، صورت گرفت. با توجه به شرایط ژئوپلیتیکی متنوع منطقه، ایالات متحده برای دستیابی به اهداف خود سیاست‌هایی از قبیل حمایت از توسعه کشورهای تولیدکننده نفت، اتخاذ موضع بی‌طرفانه در مناقشه اسرائیل - اعراب و جلوگیری از نفوذ شوروی در ایران و ترکیه را در پیش گرفت. ایالات متحده در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، کمک‌های خارجی را برای پیشبرد اهداف خود در این زمینه به کار گرفت. روابط امریکا - اسرائیل در سال‌های ابتدایی، حول کمک‌های اقتصادی محدود (بیشتر به صورت وام) دور می‌زد. با توجه به اینکه حامی اصلی اسرائیل در آن زمان فرانسه بود و فناوری نظامی پیشرفته را این کشور در اختیار اسرائیل قرار می‌داد. بیشتر این حمایت‌ها برای مقابله با تهدید مصر به رهبری ناصر بود. طی بحران کانال سوئز در تاریخ ۱۹۵۶، ایالات متحده به دلیل هراس از مداخله شوروی

1. De Facto

2. De Jure



به طرف‌داری از مصر، سه کشور - بریتانیا، فرانسه و اسرائیل - را برای قبول آتش‌بس تحت فشار قرار داد. پس از آن، ناصر تمایل خود را برای ایجاد روابط نزدیک‌تر با ایالات متحده اعلام کرد. ایالات متحده نیز با هدف کسب نفوذ بیشتر در منطقه و جلوگیری از حرکت ناصر به سمت بلوک شوروی، روابط خیلی نزدیکی با اسرائیل برقرار نکرد.

### نگاهی تاریخی به سیاست خارجی ایالات متحده در قبال اسرائیل

#### ۱. دولت جانسون (۱۹۶۳-۱۹۶۹)

دردوران ریاست‌جمهوری لیندون جانسون، روابط ایالات متحده با اسرائیل صمیمی‌تر شد اما سیاست خارجی ایالات متحده حمایت بی‌چون‌وچرا از اسرائیل نبود. پیش از جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷، دولت امریکا با احتیاط عمل کرده و از ورود به هرگونه اتحاد نظامی فعال با اسرائیل خودداری می‌کرد. با وقوع جنگ، دولت ایالات متحده با آگاهی از نیاز اسرائیل به دفاع از خود در برابر حملات خارجی نگران بود که پاسخ اسرائیل با حملات، متناسب نبوده و به بی‌ثباتی منطقه بیانجامد. حمله اسرائیل به اردن، امریکا را با مشکل مواجه کرد چون اردن نیز متحد امریکا محسوب می‌شد. اما نگرانی عمده دولت جانسون از این موضوع بود که گسترش دامنه جنگ در منطقه، پای ایالات متحده و شوروی را نیز به جنگ بکشد. در همین راستا نیز مذاکرات دیپلماتیک را با کشورهای منطقه و شوروی در دستورکار قرار داد تا جنگ، رخ ندهد، اما موفق نشد. در ۱۹۶۸، جانسون با حمایت کنگره، فروش هواپیماهای فانتوم را به اسرائیل تأیید کرد و این مقدمه‌ای برای برتری کیفی نظامی اسرائیل بر همسایگانش بود. هرچند امریکا به برخی از همسایگان اسرائیل از جمله لبنان و عربستان سعودی نیز سلاح ارسال می‌کرد تا با فروش سلاح‌های شوروی در منطقه مقابله کند.

#### ۲. دولت‌های نیکسون و فورد (۱۹۷۴-۱۹۶۹)

در ۱۹ ژوئن ۱۹۷۰، ویلیام راجرز،<sup>۱</sup> وزیر امور خارجه ایالات متحده، در راستای

1. William Rogers

قطعه‌نامه ۲۴۲ سازمان ملل طرحی را ارائه داد که براساس آن علاوه بر آتش‌بس ۹۰ روزه، از اسرائیل خواسته شده بود تا از سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ عقب‌نشینی کند و طرفین حاکمیت و استقلال یکدیگر را به رسمیت بشناسند. هرچند مصر طرح راجرز را پذیرفت اما اسرائیل حمایتی از آن به‌عمل نیاورد. حتی پس از اخراج مستشاران شوروی از مصر توسط *سادات* و ابراز تمایل او به مذاکره نیز پیشرفت چندانی حاصل نشد. با وجود نگرانی از حمله مصر و سوریه، *گلدامایر*، نخست‌وزیر وقت اسرائیل تصمیم بحث‌انگیزی اتخاذ کرد که طی آن حمله پیش‌دستانه‌ای انجام نمی‌شد. مهم‌ترین دلیل اتخاذ این تصمیم این بود که مایر می‌ترسید با آغاز جنگ، مقامات امریکایی را آزرده‌خاطر کند. به این ترتیب، سوریه و مصر به اسرائیل حمله کردند و طی آن جنگ یوم کپور آغاز شد. بار دیگر این ترس ایجاد شد که پای دو ابرقدرت به مناقشه خاورمیانه کشیده شود. پس از تهدید شوروی به مداخله به نفع مصر، ایالات متحده شرایط دفاعی خود را از چهار به سه تغییر و نیروهای نظامی این کشور در بالاترین سطح حالت دفاعی زمان صلح قرار گرفتند. به‌عبارت دیگر آمادگی رزمی نیروهای نظامی ایالات متحده به بالاتر از حالت عادی افزایش یافت (حالتی بین وضعیت عادی و آماده‌باش کامل). متعاقب اقدام امریکا، شوروی از ادعای خود عقب‌نشینی کرد. پس از جنگ، امریکا، اسرائیل را تحت فشار گذاشت تا بخش‌های اشغال‌شده را به اعراب بازگرداند و در دور نخست مذاکرات صلح اسرائیل - مصر مشارکت کرد. حمایت امریکا از اسرائیل طی جنگ به تحریم نفتی اوپک در سال ۱۹۷۳، علیه امریکا انجامید که بعدها در مارس ۱۹۷۴ رفع شد. (Wikipedia, 2010a)

### ۳. دولت کارتر (۱۹۸۱-۱۹۷۷)

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دوران کارتر، نقش فعال ایالات متحده در فرایند صلح خاورمیانه بود که به تبع آن نیز در روابط دوجانبه اسرائیل - امریکا اصطکاک‌هایی به‌وجود آمد. برخی در اسرائیل، فرایند کمپ دیوید به ابتکار کارتر را، فشار بر اسرائیل برای عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی و قبول خطر به دلیل صلح با مصر قلمداد می‌کردند (ملکی، ۱۳۸۳: ۴۹). حمایت کارتر از حقوق سیاسی فلسطینی‌ها

سبب بروز تنش‌هایی در روابط آمریکا - اسرائیل شد.

#### ۴. دولت ریگان (۱۹۸۱-۱۹۸۹)

حامیان اسرائیل در اوایل دولت ریگان، درباره برخی مشکلات در روابط آمریکا - اسرائیل ابراز نگرانی می‌کردند، اما حمایت شخصی ریگان از اسرائیل و دیدگاه‌های مشترک او و دولت اسرائیل در رابطه با تروریسم، همکاری امنیتی و تهدید شوروی، به تقویت قابل ملاحظه روابط دوجانبه انجامید. در این دوران دو کشور به توافق‌هایی در رابطه با همکاری‌های راهبردی و نظامی دست یافتند. این پیوندها در دوره دوم ریاست‌جمهوری ریگان تقویت شد. در این دوران گفت‌وگوهای ایالات متحده با سازمان آزادی‌بخش فلسطین، جریان جاسوسی جاناتان پولارد<sup>۱</sup> در دسامبر ۱۹۸۶ و یا حتی رد ابتکار صلح شولتز<sup>۲</sup> توسط اسرائیل در بهار ۱۹۸۸، هیچ‌گونه خللی در روابط پررنگ دو کشور ایجاد نکرد.

#### ۵. دولت جورج بوش پدر (۱۹۸۹-۱۹۹۳)

جیمز بیکر،<sup>۳</sup> وزیر امور خارجه آمریکا در ۲۲ مه ۱۹۸۹، اعلام کرد که اسرائیل باید سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود را ترک کند. متعاقب آن جورج بوش در ۳ مارس ۱۹۹۰، طی کنفرانس مطبوعاتی عنوان کرد که بیت‌المقدس شرقی بخشی از مناطق اشغالی است و جزء حاکمیت اسرائیل محسوب نمی‌شود. این گفته بوش پدر، خشم مقامات اسرائیلی را برانگیخت. برخی این سخنان را نشانه‌های اتمام دوران ریگان و حمایت بالای آمریکا از اسرائیل قلمداد می‌کردند. ضمن اینکه برخی اختلاف‌ها نیز بین طرفین وجود داشت که به این تصورها دامن می‌زد. باین حال، تکرار تعهدات بوش درباره امنیت اسرائیل در بحران عراق - کویت نشان داد که رابطه این دو کشور خیلی مستحکم‌تر از آن است که به سادگی دچار خلل شود. با آغاز جنگ خلیج فارس در ۱۶ ژانویه ۱۹۹۱، تنش در روابط آمریکا - اسرائیل کمتر شد. بوش و بیکر در کنفرانس صلح مادرید در اکتبر ۱۹۹۱ و ترغیب طرفین به ادامه مذاکرات

صلح نقش مهمی را ایفا کردند. به نظر می‌رسید که دولت بوش با دولت شامیر رابطه دوستانه‌ای ندارد. اما پس از پیروزی حزب کارگر در انتخابات ۱۹۹۲، روابط دو کشور دوباره رو به گرمی گذاشت (Wikipedia, 2010a).

#### ۶. دولت کلینتون (۲۰۰۰-۱۹۹۳)

اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳، توافق‌نامه اسلو یک را امضا کردند. در ۱۰ سپتامبر، بیل کلینتون اعلام کرد که امریکا و سازمان آزادی‌بخش فلسطین باید مذاکرات خود را از سر بگیرند. او در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۴ شاهد امضای پیمان صلح اسرائیل - اردن و در ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۵ به همراه حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر و حسین پادشاه وقت اردن در کاخ سفید شاهد امضای قرارداد موقت بین اسرائیل و فلسطین بود. کلینتون، بخشی از مذاکرات صلح را در مرکز کنفرانس وای ریور در مرینند میزبانی کرد که به امضای قرارداد ۲۳ اکتبر ۱۹۹۸ انجامید. کلینتون ملاقات‌هایی را بین باراک، نخست‌وزیر اسرائیل و یاسر عرفات در کاخ سفید، اسلو، شپردزتاون، کمپ دیوید و شرم‌الشیخ سازماندهی و برای برقراری صلح بین طرفین میانجیگری کرد (ملکی، ۱۳۸۳: ۵۱).

#### ۷. دولت بوش پسر (۲۰۰۹-۲۰۰۱)

ملاقات‌های مارس و ژوئن ۲۰۰۱، بین بوش پسر و آریل شارون، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، از روابط خوب دو دولت حکایت می‌کرد. تمام دولت‌هایی که طی سال‌های اخیر در ایالات متحده روی کار آمده‌اند با ابراز نارضایتی از شهرک‌سازی‌های اسرائیل در مناطق اشغالی، آن را مانعی در مقابل تشکیل دولت فلسطین عنوان کرده‌اند. دولت بوش با حمایت از خروج اسرائیل از باریکه غزه، آن را راهی برای بازگشت به روند نقشه راه و دستیابی به راه‌حل دودولتی می‌دانست، به طوری که اسرائیل و فلسطین در کنار هم و در صلح و امنیت زندگی کنند. اسرائیل در اواخر دوره بوش درخواست محرمانه‌ای را برای در اختیار گرفتن بمب‌های بانکر باستر ارائه داد، اما امریکا با آگاهی از این موضوع که ممکن است اسرائیل با استفاده از آنها به تأسیسات اصلی هسته‌ای ایران در نطنز حمله کند، با این درخواست مخالفت کرد (Wikipedia, 2010a).



## ایالات متحده و مناقشه اسرائیل - لبنان (۲۰۰۶)

در ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶ نیروهای حزب‌الله لبنان با وارد شدن به خاک اسرائیل به گروهی از نیروهای زمینی ارتش اسرائیل حمله و طی آن سه سرباز اسرائیلی را کشته و دو تن دیگر را به اسارت گرفتند. حزب‌الله لبنان برای بازپس دادن دو اسیر اسرائیلی خواستار آزادی چهار عضو خود از زندان‌های اسرائیل شد. در همین حال *ایهود اولمرت*، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، با مسئول دانستن دولت لبنان، اقدام حزب‌الله را اعلام جنگ لبنان به اسرائیل قلمداد و در مقابل نیروی هوایی اسرائیل حملاتی را به زیرساخت‌های لبنان یعنی جاده‌ها، پل‌ها و فرودگاه بیروت انجام داد. در ۱۴ ژوئیه، کنگره ایالات متحده از فروش سوخت هواپیما به ارزش ۲۱۰ میلیون دلار به اسرائیل خبر داد. این سوخت باید به مصرف هواپیماهایی می‌رسید که برای تأمین صلح و امنیت منطقه مورد استفاده قرار می‌گرفتند. (DSCA, 2006) خبرهایی نیز در ۲۴ ژوئیه منتشر شد که براساس آن ایالات متحده قصد داشت بمب‌های بانکر باستر در اختیار اسرائیل قرار دهد. اسرائیل ادعا کرده است که این بمب‌ها را برای هدف قرار دادن رهبران حزب‌الله و پناهگاه‌های آنها مورد استفاده قرار خواهد داد (Reuters, 2006a). البته همان‌طور که پیشتر گفته شد بوش با انتقال این تسلیحات به اسرائیل مخالفت کرد. از سوی دیگر، برخی رسانه‌های امریکایی عنوان کردند که به‌نظر می‌رسد اسرائیل از قرارداد منعقدشده برای استفاده نکردن از بمب‌های خوشه‌ای در مناطق غیرنظامی تخطی کرده است. مدارک موجود نشان می‌دهند که از بمب‌های خوشه‌ای در مناطق غیرنظامی استفاده شده و پس از جنگ، چندین بمب منفجرنشده در این مناطق دیده شده‌اند. در مقابل، اسرائیل عنوان می‌کند که هیچ‌گونه تخطی از حقوق بین‌الملل صورت نداده است (BBC News, 2006). در ۱۵ ژوئیه، شورای امنیت درخواست لبنان را برای اجرای آتش‌بس فوری بین اسرائیل و لبنان رد کرد. ایالات متحده در ردّ این درخواست نقش کلیدی داشت. در ۱۹ ژوئیه دولت بوش هرگونه درخواست برای آتش‌بس فوری را رد و *کاندولیزا رایس*، وزیر امور خارجه وقت امریکا اعلام کرد که تا شرایط مورد نظر ما برآورده نشود هیچ آتش‌بسی در کار نخواهد بود. *جان بولتون*، نماینده وقت امریکا در سازمان ملل نیز با رد هرگونه آتش‌بس عنوان کرد که چنین درخواستی نشان‌دهنده نگرش سطحی

به این مناقشه است.

در ۲۶ ژوئیه وزرای خارجه چندین کشور از جمله ایالات متحده، چند کشور اروپایی و چند کشور خاورمیانه‌ای طی نشستی در رم برای اتمام خشونت‌ها بین طرفین به بحث و تبادل نظر پرداختند. امریکا به حمایت خود از اسرائیل ادامه داد و نتایج کنفرانس، انتظارات مقامات اروپایی و عرب را برآورده نکرد (Reuters, 2006b). در نهایت جنگ بین ارتش اسرائیل و حزب الله لبنان که بیش از یک ماه به طول انجامید و به جنگ ۳۳ روزه معروف شد با قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت در تاریخ ۱۴ اوت ۲۰۰۶ پایان یافت. هریک از طرفین خود را پیروز جنگ معرفی کردند و حتی در مورد طول جنگ و آغازگر آن نیز هیچ‌یک نظر یکسانی نداشتند.

### سیاست خاورمیانه‌ای دولت باراک اوباما

روی کارآمدن باراک اوباما در ایالات متحده مصادف با تشدید منازعات در عراق، غزه، افغانستان و پاکستان بود. مبارزه با تروریسم، ترویج و توسعه دموکراسی از دیگر موضوع‌های مرتبط با سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه محسوب می‌شود. در این راستا، باراک اوباما چندین فرستاده ویژه را تعیین کرد که در این بین جورج میچل<sup>۱</sup> به‌عنوان فرستاده ویژه برای صلح خاورمیانه و ریچارد هلبروک<sup>۲</sup> به‌عنوان فرستاده ویژه برای افغانستان و پاکستان منصوب شدند. در پی این اقدام چندین کشور اروپایی با تقلید از ایالات متحده نماینده‌های ویژه‌ای را برای پاکستان و افغانستان تعیین کردند. آلمان برند موتسل بورگ<sup>۳</sup> و بریتانیا سرشرارد کوپرکولس<sup>۴</sup> را به‌عنوان نماینده‌های ویژه خود برای این دو کشور منصوب کردند. اما آنچه در رابطه با سیاست خاورمیانه‌ای دولت اوباما جلب توجه می‌کند سخنرانی ۴ ژوئن ۲۰۰۹ او در دانشگاه قاهره مصر خطاب به مسلمانان است. سخنرانی که از آن با عنوان «آغازی نوین» تعبیر می‌شود و به‌نوعی تشریح‌کننده سیاست‌های خاورمیانه‌ای اوباما است. اوباما در مبارزه‌های انتخاباتی خود قول داده بود پس از پیروزی در

1. George Mitchell
2. Richard C. Holbrooke
3. Bernd Mutzelburg
4. Sir Sherard Cowper-Coles



انتخابات و در اوایل ریاست‌جمهوری خود در یکی از کشورهای اسلامی با مسلمانان سخن خواهد گفت (Colvin, 2009). رابرت گیس، سخنگوی کاخ سفید دربارهٔ انتخاب مصر به‌عنوان محل سخنرانی عنوان کرده که «مصر کشوری است که از بسیاری جهت‌ها به‌عنوان قلب جهان عرب محسوب می‌شود» (OPS, 2009). مصر بازیگر کلیدی در روند صلح خاورمیانه و یکی از بزرگ‌ترین دریافت‌کننده‌های کمک‌های اقتصادی و نظامی ایالات متحده است. برخی از کارشناسان بر این باورند که سخنرانی اوباما در مصر تلاشی برای ترمیم روابط ایالات متحده با جهان اسلام است که در دوران ریاست‌جمهوری بوش پسر به‌شدت آسیب دیده است. اوباما در سخنان خود در قاهره، جهان اسلام و غرب را به روابط و درک متقابل بهتر از یکدیگر فراخواند و خواستار مقابلهٔ هر دو طرف با افراط‌گرایی شد؛ او همچنین تمایل خود را برای برقراری صلح بین اسرائیل و فلسطین ابراز کرد. اوباما با تأیید مجدد اتحاد امریکا با اسرائیل، پیوند این دو را خدشه‌ناپذیر دانست، اما درعین حال شرایط جاری فلسطین را غیرقابل‌تحمل توصیف و آرزوی فلسطینی‌ها را برای داشتن کشوری مستقل برحق دانست، درست مانند آرزوی اسرائیلی‌ها برای داشتن موطن یهودی (Zeleny&Cowell, 2009). سخنرانی اوباما در قاهره به چند بخش تقسیم می‌شود: افراط‌گرایی، منازعه اسرائیل - فلسطین، سلاح‌های هسته‌ای (با استناد به ایران)، دموکراسی، آزادی مذهبی، حقوق زنان و توسعه اقتصادی. اوباما در آغاز سخنرانی خود در جستجوی زمینهٔ مشترکی بین مسلمانان و ایالات متحده بود. در همین راستا به آیاتی از قرآن مجید استناد کرد. او با یادآوری نقش مسلمانان در بنیان نهادن نظام جبر، توسعهٔ تجهیزات دریانوردی، اختراع قلم خودنویس و تأثیر هنر معماری اسلامی، به تشریح سهم مسلمانان در تمدن غربی پرداخت. اوباما با ذکر تجربه‌های شخصی خود دربارهٔ اسلام از ارتباط ایالات متحده با اسلام سخن گفت، از جمله اینکه مراکش نخستین کشوری بود که ایالات متحده را به رسمیت شناخت. رئیس‌جمهور ایالات متحده همچنین از ورزشکاران مسلمان امریکایی (محمدعلی و کریم عبدالجبار)، احمد زویل<sup>۱</sup> برنده جایزه نوبل، انتخاب کیث الیسون<sup>۲</sup> به‌عنوان

1. Ahmed Zewail
2. Keith Ellison

نخستین مسلمان عضو کنگره ایالات متحده و همچنین وجود بیش از ۱۲۰۰ مسجد در ایالات متحده سخن به میان آورد (Wikipedia, 2010b).

اوباما در مورد جنگ عراق بر این باور است که مردم عراق وضعیت بهتری را بدون حکومت استبدادی *صدام* دارند، اما این مطلب را نیز خاطر نشان می‌کند که رویدادهای عراق نیاز به استفاده از دیپلماسی و ایجاد اجماع بین‌المللی را در راستای حل مشکلات برای ایالات متحده یادآوری کرد. او همچنین قول داده تا ژوئیه نیروهای نظامی را از شهرهای عراق و تمام نیروهای امریکایی را تا ۲۰۱۲ از عراق خارج کند. او در بخشی از سخنانش به نقش ایالات متحده در براندازی دولت ایران در اواسط جنگ سرد اشاره کرد. این نخستین بار بود که یکی از رؤسای جمهوری ایالات متحده حضور دولت این کشور را در کودتای ۱۹۵۳ ایران تأیید می‌کرد (AFP, 2009). هرچند وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده، *خانم مادلین آلبرایت* نیز در سال ۲۰۰۰، دخالت ایالات متحده را در کودتای فوق تأیید کرده بود (Sanger, 2000). دربارهٔ دموکراسی، اوباما معتقد است که امریکا این تصور را ندارد که صلاح کار همه را می‌داند، اما بر این باور است که مردم خواسته‌های معینی دارند؛ امکان ابراز نظرها و مشارکت در چگونگی اداره کشور خود، اطمینان به تساوی افراد در برابر قانون و برابری در اجرای عدالت، حکومتی شفاف که از اموال مردم دزدی نمی‌کند و آزادی در انتخاب نوع زندگی خود. او چنین آزادی‌هایی را حقوق بشر می‌نامد. در زمینه توسعه اقتصادی، اوباما از اختصاص اعتبارات جدید، ارائه کمک‌هزینه‌های تحصیلی و مشارکت برای حمایت آموزشی، توسعه فناورانه و مراقبت‌های پزشکی بهتر در کشورهای دارای اکثریت مسلمان صحبت کرد.

#### ۱. غزه

در ۲ فوریه ۲۰۰۹، اوباما بیش از ۲۰ میلیون دلار برای نیازهای ضروری آوارگان فلسطینی در غزه اختصاص داد. منازعه اسرائیل - حماس که از ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸، آغاز شده بود پس از ۲۲ روز تهاجم گسترده هوایی و زمینی نیروهای اسرائیلی به باریکه غزه در اواسط ژانویه ۲۰۰۹، فروکش کرد. در ۲۱ ژانویه ۲۰۰۹، و درست یک روز پس از سوگند اوباما به‌عنوان رئیس‌جمهور امریکا، نیروهای اسرائیل به‌طور

کامل از باریکه غزه عقب‌نشینی کردند (New York Times, 2009a) خانم هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه امریکا نیز متعهد شد تا ۹۰۰ میلیون دلار برای روند بازسازی غزه کمک کند. این درحالی است که برخی از کارشناسان با انتقاد از این اقدام وزیر امور خارجه امریکا عنوان کردند که این پول برای مقاصد دیگری مورد استفاده قرار خواهد گرفت (Starr, 2009).

اوباما در سخنرانی ۴ ژوئن ۲۰۰۹ خود خطاب به مسلمانان در قاهره مصر عنوان کرد که «فلسطینی‌ها باید از به‌کارگیری خشونت بپرهیزند. مقاومت از طریق خشونت اشتباه است و موفقیتی دربر ندارد.» او از جنبش حقوق مدنی امریکایی - افریقایی، انقلاب اندونزی در ۱۹۹۸، و مذاکراتی که منجر به پایان آپارتاید در افریقای جنوبی شد به‌عنوان نمونه‌های تاریخی و موفقیت‌آمیز حرکت‌های مسالمت‌آمیز یاد کرد که به بی‌عدالتی‌های اجتماعی، نژادی و سیاسی خاتمه داد (Aljazeera, 2009). در واکنش به سخنان اوباما فوزی برهوم، سخنگوی جنبش مقاومت اسلامی (حماس) عنوان کرد که بین گفته‌های اوباما و بوش پسر، رئیس‌جمهور پیشین امریکا، تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد اما در این گفته‌ها سازوکاری که بتوان با آن، این دیدگاه‌ها و خواسته‌ها را به عمل تبدیل کرد دیده نمی‌شود. (AP, 2009). جورج میچل، فرستاده ویژه اوباما برای صلح خاورمیانه طی سفری ۸ روزه به خاورمیانه که از ۲۶ ژانویه ۲۰۰۹ آغاز شد، با محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین و ایهود اولمرت، نخست‌وزیر وقت اسرائیل دیدار و گفت‌وگو کرد. جورج میچل پس از دیدار با محمود عباس در رام‌الله عنوان کرد که برای جلوگیری از قاچاق غیرقانونی سلاح به غزه باید سازوکاری باشد تا کالاهای مجاز به‌صورت قانونی به غزه وارد شوند و این کار باید با مشارکت تشکیلات خودگردان باشد. اوباما بر این باور است که آتش‌بس بلندمدت، تضمین‌کننده صلح پایدار نیست و به همین دلیل در جستجوی راه‌حلی است که براساس آن دو دولت در کنار هم و در صلح و امنیت زندگی کنند (Kershner, 2009).

## ۲. سوریه

هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه امریکا عنوان کرده است که دولت اوباما روابط

خود را با سوریه مورد تجدید نظر قرار خواهد داد. این درحالی است که دولت بوش پسر بارها این کشور را به حمایت از تروریسم متهم کرده بود. در ۳ مارس ۲۰۰۹، هیلاری کلinton از تمایل ایالات متحده برای اعزام دو فرستاده به سوریه خبر داد.

### ۳. عراق

اوباما در ۲۷ فوریه ۲۰۰۹، موعد عقب‌نشینی نیروهای امریکایی را از عراق اعلام کرد. بر این اساس تا ۳۱ اوت ۲۰۱۰، بعد از نزدیک به هفت‌ونیم سال حضور نظامی ایالات متحده در عراق، تمام نیروهای امریکایی به‌جز نیروهای انتقالی که بین ۳۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ تن هستند از این کشور خارج خواهند شد. او وظیفه نیروهای انتقالی را «آموزش، تجهیز و ارائه مشاوره به نیروهای امنیتی عراق عنوان کرد تا به هیچ گروهی وابسته نشوند، قادر به انجام مأموریت‌های ضدتروریستی باشند و از تلاش‌های نظامی و غیرنظامی در حال پیشرفت امریکا در عراق حفاظت کنند.» (New York Times, 2009b) براساس این طرح، بیشتر نیروهای امریکایی پیش از مهلت مندرج در قرارداد امضا شده بین بوش پسر، رئیس‌جمهور پیشین امریکا و نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق از این کشور خارج خواهند شد.

### ۴. اسرائیل

پیش و پس از انتخاب باراک اوباما به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده، برخی از یودیان از جمله جوزف لیبرمن، سناتور امریکایی تعهد اوباما به امنیت اسرائیل را مورد پرسش قرار داده بودند. اوباما عنوان کرده که از اسرائیل حمایت می‌کند و خللی به اتحاد اسرائیل - امریکا در دوره ریاست‌جمهوری او وارد نخواهد شد. در ژانویه ۲۰۰۹، اوباما از درگیری‌های شدید بین اسرائیل و حماس در باریکه غزه ابراز نگرانی کرده و یادآور شده بود که در این‌باره اظهار نظر نمی‌کند و آن را به دولت بوش پسر واگذار می‌کند تا موضع رسمی دولت ایالات متحده را در قبال منازعه اعلام کند. اوباما به دلیل سکوت در قبال منازعه غزه مورد انتقاد قرار گرفت (Wikipedia, 2010c).

در مارس ۲۰۰۹، هیلاری کلinton، وزیر امور خارجه امریکا، به اسرائیل سفر کرد. وی ضمن حمایت از تأسیس دولت فلسطینی، درباره شهرک‌سازی اسرائیل و

تخریب منازل فلسطینی‌ها در بیت‌المقدس شرقی هشدار داده و یادآور شد که این اقدام برای روند صلح مفید نیست (Ravid, 2009). دولت اوباما بارها دولت اسرائیل و نخست‌وزیر آن بنیامین نتانیاهو را تحت فشار گذاشته تا روند شهرک‌سازی را در ساحل غربی متوقف کند. در ۴ ژوئن ۲۰۰۹ باراک اوباما در سخنرانی خود در قاهره، خطاب به مسلمانان عنوان کرد: «ایالات متحده مشروعیت ادامه شهرک‌سازی‌های اسرائیل را نمی‌پذیرد». اوباما گفت: «شهرک‌سازی‌ها تخلف از قراردادهای پیشین است و تلاش‌ها برای دستیابی به صلح را تضعیف می‌کند. دیگر زمان آن رسیده که شهرک‌سازی‌ها متوقف شود». در عین حال اوباما در همین سخنرانی انکار هولوکاست، یهودی‌ستیزی و صهیونیسم‌ستیزی را به‌شدت مورد انتقاد قرار داده است. او می‌افزاید: «تهدید اسرائیل به نابودی یا تکرار حرف‌های کلیشه‌ای درباره یهودیان اشتباه است و تنها موجب زنده شدن خاطرات تلخ در اذهان اسرائیلی‌ها شده و در عین حال مانع برقراری صلحی می‌شود که مردم منطقه شایستگی آن را دارند» (Aljazeera, 2009).

## ۵. ایران

جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور آمریکا طی سخنرانی که در ۷ فوریه ۲۰۰۹ در چهل‌وپنجمین کنفرانس امنیتی مونیخ ایراد کرد، خط‌مشی کلی سیاست خارجی این کشور را در برابر ایران این‌گونه توصیف کرد: «امریکا تمایل دارد با ایران به گفت‌وگو بنشیند و گزینه کاملاً روشنی را ارائه می‌دهد: ادامه مسیر کنونی که در آن صورت فشارها و انزوا در انتظار شماست؛ دست برداشتن از برنامه هسته‌ای غیرقانونی خود و حمایت از تروریسم که در آن صورت مشوق‌ها انتظار شما را می‌کشد». او از مردم و تمدن ایران به نیکی یاد کرد، اما در عین حال خاطرنشان ساخت: «ایران در راهی قدم برمی‌دارد که به صلح در منطقه و یا کامیابی مردمش نمی‌انجامد.» (Biden, 2009) اوباما در ۹ فوریه ۲۰۰۹، از تجدیدنظر در سیاست آمریکا در قبال ایران سخن گفت و یادآور شد که دولت وی در جستجوی فرصتی برای گفت‌وگوهای رو در رو با این کشور است (CNN, 2009a).



در ۱ مارس ۲۰۰۹، دریاسالار مایک مولن<sup>۱</sup>، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح ایالات متحده عنوان کرد که مقامات این کشور بر این باورند که ایران به اندازه کافی اورانیوم غنی شده با غلظت بالا برای تولید سلاح هسته‌ای در اختیار دارد. او تأثیر ایران مسلح به سلاح هسته‌ای را برای منطقه و جهان «بسیار بسیار بد» توصیف کرد (CNN, 2009b). هرچند رابرت گیتس، وزیر دفاع ایالات متحده با این دیدگاه موافق نیست. او بر این باور است که ایران هنوز با دستیابی به سلاح هسته‌ای فاصله دارد و زمان برای جلوگیری از این اقدام در اختیار هست. (Zabarenko, 2009) در آوریل ۲۰۰۹، اوباما به مناسبت عید نوروز پیام تبریکی به مردم ایران فرستاد. او در این پیام دیدگاه‌های خود را در رابطه با روابط آمریکا - ایران بیان کرده و چندین موضوع کلیدی از جمله برنامه هسته‌ای ایران و نقش ایران در مبارزه با تروریسم را مورد توجه قرار داده است.

اوباما در سخنرانی ۴ ژوئن ۲۰۰۹ در قاهره، خطاب به مسلمانان با تأیید دخالت این کشور در کودتای اواسط دوران جنگ سرد علیه دولت ایران که به صورت دموکراتیک انتخاب شده بود عنوان کرد موضوع‌های زیادی برای بحث بین دو کشور وجود دارد و ما مایلیم بدون پیش شرط و براساس احترام متقابل با یکدیگر به گفت‌وگو بنشینیم. او همچنین با بیان این مطلب که ایران حق داشتن انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز را دارد هشدار داد که تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، منطقه و جهان را در مسیر بسیار خطرناکی قرار می‌دهد. او در ادامه سخنانش از خلع سلاح هسته‌ای حمایت کرد (Aljazeera, 2009).

### کنفرانس امنیت هسته‌ای واشینگتن (۲۰۱۰)

اجلاس امنیت هسته‌ای در ۱۲ و ۱۳ آوریل ۲۰۱۰ در واشینگتن برگزار شد. تمرکز اصلی این کنفرانس بر چگونگی افزایش ایمنی پلوتونیوم تسلیحاتی و اورانیوم برای جلوگیری از تروریسم هسته‌ای بود. به عبارت دیگر دستورکار این نشست «امنیت مواد و تجهیزات هسته‌ای و جلوگیری از انتقال آنها به تروریست‌ها» بود. این کنفرانس در حالی برگزار می‌شد که پیمان موسوم به استارت جدید در ۸ آوریل

1. Admiral Michael Glenn "Mike" Mullen





۲۰۱۰ بین باراک اوباما رئیس‌جمهور ایالات متحده و دیمیتری مدودف<sup>۱</sup> رئیس‌جمهور روسیه در پراگ به امضا رسید. پس از این کنفرانس نیز ایران میزبان کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه در ۱۷ و ۱۸ آوریل بود. در مه ۲۰۱۰ نیز کنفرانس بازنگری پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT) در مقر سازمان ملل در نیویورک برگزار شد (Wikipedia, 2010d).

مقامات امریکایی از نشست امنیت هسته‌ای واشینگتن به‌عنوان بزرگ‌ترین گردهمایی سران دولت‌ها در واشینگتن طی چند دهه اخیر یاد کردند. هیئت‌هایی از ۴۶ کشور، در کنار ایالات متحده در این اجلاس حضور داشتند که ۳۸ تن از آنها سران دولت بودند. هیئت‌های نمایندگی از اتحادیه اروپا، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همین‌طور سازمان ملل متحد نیز در این نشست شرکت کردند. بنیامین نتانياهو<sup>۲</sup> نخست‌وزیر اسرائیل برنامه خود را برای حضور در کنفرانس، لغو و در آن شرکت نکرد. او نگران بود که برنامه هسته‌ای اسرائیل در این کنفرانس مطرح و برخی شرکت‌کنندگان، خواستار امضای پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای از جانب اسرائیل شوند. وزیر اطلاعات دولت اسرائیل به‌جای نخست‌وزیر در این اجلاس شرکت کرد. اسرائیل که به باور بسیاری از کارشناسان دارای سلاح‌های هسته‌ای است سال‌هاست که سیاست ابهام هسته‌ای را پیگیری می‌کند. براساس شواهد مصر و ترکیه قصد داشتند از فرصت پیش‌آمده در اجلاس امنیت هسته‌ای استفاده کرده و اسرائیل را برای امضای پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای تحت فشار قرار دهند. هرچند به‌نظر می‌رسد مقامات امریکایی اطمینان داده بودند که در این کنفرانس از مطرح شدن برنامه هسته‌ای اسرائیل جلوگیری خواهند کرد. برخی کارشناسان بر این باورند که عدم شرکت نتانياهو در این کنفرانس نشان‌دهنده سردی روابط اسرائیل با ایالات متحده است. این نکته را نیز باید خاطرنشان کرد که ایالات متحده از روند شهرک‌سازی‌ها در منطقه مورد مناقشه بیت‌المقدس شرقی بسیار ناراضی است (Walker, 2010). در پایان کنفرانس امنیت هسته‌ای نیز بیانیه غیرالزام‌آوری صادر شد که براساس آن شرکت‌کنندگان از

1. Dmitry Medvedev
2. Binyamin Netanyahu

تروریسم هسته‌ای به‌عنوان «یکی از چالش‌برانگیزترین تهدیدهای امنیت بین‌المللی» یاد کردند.

### کمک‌های اقتصادی و نظامی ایالات متحده به اسرائیل

از سال ۱۹۷۰، اسرائیل به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان کمک‌های خارجی ایالات متحده مطرح بوده است. (Berrigan & Hartung, 2006) هرچند بیشتر این کمک‌ها موارد نظامی را دربر می‌گیرد، اما بخشی از این کمک‌ها موارد اقتصادی را نیز شامل می‌شود. برحسب درآمد سرانه کشورهای، اسرائیل بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک‌های خارجی آمریکا محسوب می‌شود، با این حال دیگر کشورهای خاورمیانه از جمله مصر، اردن و تشکیلات خودگردان فلسطین نیز از کمک‌های خارجی آمریکا استفاده می‌کنند. مصر سالانه حدود ۲/۲ میلیارد دلار، اردن سالانه حدود ۴۰۰ میلیون دلار و تشکیلات خودگردان سالانه حدود یک میلیارد دلار کمک خارجی از آمریکا دریافت می‌کنند (Tarnoff & Nowels, 2004). تا سال ۱۹۶۲ کمک آمریکا به اسرائیل بیشتر در شکل کمک‌های اقتصادی بود. پیش از ۱۹۶۲ آمریکا مقادیر محدودی سلاح به اسرائیل ارسال کرد. از سال ۱۹۶۵، آمریکا به تدریج به عرضه‌کننده اصلی تسلیحات اسرائیل تبدیل شد. با این حال، می‌توان این‌گونه گفت که کمک‌های نظامی آمریکا به اسرائیل از سال ۱۹۷۴ شروع شده است. تعامل نظامی آمریکا - اسرائیل پیش از این تاریخ به صورت مقطعی بود. کمک‌های اقتصادی آمریکا به اسرائیل که بیشتر برای پروژه‌های معین توسعه یا خرید کالا مشخص شده بود در سال ۱۹۷۵ و با آغاز پرداخت وام‌های مستقیم و پرداخت‌های نقدی روبه‌کاهش گذاشت. در اواسط دهه ۱۹۸۰ مجموع کمک‌های اقتصادی و مالی آمریکا به اسرائیل بین ۳ تا ۵/۳ میلیارد دلار در نوسان بوده است. در سال ۱۹۹۸، مقامات اسرائیلی، کنگره و دولت آمریکا موافقت خود را با کاهش کمک‌های اقتصادی ۲/۱ میلیارد دلاری آمریکا به اسرائیل و رساندن آن به صفر، در عرض ده سال اعلام کردند. در مقابل کاهش کمک‌های اقتصادی، قرار شد کمک‌های نظامی از رقم ۸/۱ میلیارد دلار به ۴/۲ میلیارد دلار در سال افزایش یابد. (ملکی، ۱۳۸۳: ۵۵-۵۷) علاوه بر این ارقام، ۲۰۰ میلیون دلار برای اقدامات ضدتروریستی، ۲/۱ میلیارد دلار برای اجرای قرارداد

وای ریور<sup>۱</sup> و یک میلیارد دلار اعتبار تکمیلی دیگر در راستای کمک نظامی برای سال مالی ۲۰۰۳ به اسرائیل اختصاص یافت. در سال مالی ۲۰۰۵، اسرائیل ۲۰۲/۲ میلیارد دلار کمک نظامی، ۳۵۷ میلیون دلار کمک اقتصادی و ۵۰ میلیون دلار برای اسکان مهاجران یهودی دریافت کرد. در سال ۲۰۰۶، ۲۴۰ میلیون دلار کمک اقتصادی و ۲۸/۲ میلیارد دلار کمک نظامی به اسرائیل اعطا شد. همچنین کنگره آمریکا ۴۰ میلیون دلار دیگر را برای اسکان مهاجران یهودی به اسرائیل تخصیص داد. در سال ۲۰۰۷، ایالات متحده کمک‌های نظامی خود را ۲۵ درصد افزایش و به مقدار ۳ میلیارد دلار در هر سال برای یک دوره ده‌ساله رساند (Ravid, 2007). مطبوعات اسرائیل عنوان کرده‌اند که دولت اسرائیل درخواست اعطای ۲۵/۲ میلیارد دلار کمک ویژه را به آمریکا ارائه داده که ترکیبی از کمک بلاعوض و وام است و در راستای جابه‌جایی پایگاه‌های نظامی از باریکه غزه و توسعه مناطق نقب و جلیل هزینه خواهد شد. مذاکرات مقدماتی آن در جریان است اما تاکنون درخواست رسمی به کنگره ارائه نشده است. کنگره ایالات متحده مقررات ویژه‌ای را در مورد کمک به اسرائیل وضع کرده است. از سال ۱۹۸۰، کمک‌های اقتصادی و نظامی خارجی به صورت نقدی به اسرائیل تحویل شده و به پروژه‌های ویژه تخصیص نمی‌یابد. این کمک‌ها به جای افزایش دوره‌ای به صورت یک‌جا در نخستین ماه سال مالی به اسرائیل انتقال می‌یابد. اسرائیل می‌تواند حدود یک‌چهارم از کمک‌های نظامی را به جای هزینه در آمریکا در بخش‌های تحقیق و توسعه تجهیزات دفاعی و نظامی داخل اسرائیل هزینه کند. باراک اوباما در بودجه سال مالی ۲۰۱۰، مبلغ ۸/۵۳ میلیارد دلار را برای برنامه‌های امور بین‌الملل ایالات متحده پیشنهاد کرده است. از این مبلغ ۷/۵ میلیارد دلار برای کمک‌های نظامی خارجی، آموزش نظامی و عملیات حفظ صلح آمریکا تخصیص یافته، که از آن ۸/۲ میلیارد دلار (تقریباً نصف مبلغ) به اسرائیل اختصاص یافته است. اگر اسرائیل شرایط مورد مذاکره در گروه توسعه اقتصادی مشترک آمریکا - اسرائیل را برآورده کند، می‌تواند از وام مشروط ۳ میلیاردی و دیگر اعتبارات اضافی نیز بهره‌مند شود (Wikipedia, 2010a).



جدول شماره ۱. کمک‌های امریکا به اسرائیل از سال ۱۹۴۹-۲۰۰۹ (میلیون دلار) (Sharp, 2009)

سال	مجموع	نظامی	اقتصادی	اسکان مهاجرین	توسعه بیمارستان‌ها و مدارس امریکایی	دیگر کمک‌ها
۱۹۹۶-۴۹	۹/۶۸۰۳۰	۹/۲۹۰۱۴	۴/۲۳۱۲۲	۹/۸۶۸	۴/۱۲۱	۳/۱۴۹۰۳
۱۹۹۷	۱/۳۱۳۲	۰/۱۸۰۰	۰/۱۲۰۰	۰/۸۰	۱/۲	۰/۵۰
۱۹۹۸	۰/۳۰۸۰	۰/۱۸۰۰	۰/۱۲۰۰	۰/۸۰	-	-
۱۹۹۹	۰/۳۰۱۰	۰/۱۸۶۰	۰/۱۰۸۰	۰/۷۰	-	-
۲۰۰۰	۸۵/۴۱۳۱	۰/۳۱۲۰	۱/۹۴۹	۰/۶۰	۷۵/۲	-
۲۰۰۱	۰۵/۲۸۷۶	۶/۱۹۷۵	۲/۸۳۷	۰/۶۰	۲۵/۲	-
۲۰۰۲	۶۵/۲۸۵۰	۰/۲۰۴۰	۰/۷۲۰	۰/۶۰	۶۵/۲	۰/۲۸
۲۰۰۳	۱۵/۳۷۴۵	۴/۳۰۸۶	۱/۵۶۹	۶/۵۹	۰۵/۳	-
۲۰۰۴	۲۵/۲۶۸۷	۳/۲۱۴۷	۲/۴۷۷	۷/۴۹	۱۵/۳	۹/۹
۲۰۰۵	۱۵/۲۶۱۲	۲/۲۲۰۲	۰/۳۵۷	۰/۵۰	۹۵/۲	-
۲۰۰۶	۵/۲۵۳۴	۰/۲۲۵۷	۰/۲۳۷	۰/۴۰	-	۵/۰
۲۰۰۷	۲/۲۵۰۰	۰/۲۳۴۰	۰/۱۲۰	۰/۴۰	۹۵/۲	۲/۰
۲۰۰۸	۹/۲۴۲۳	۰/۲۳۸۰	۰	۰/۴۰	۹۰/۳	۰
۲۰۰۹	۰/۲۵۵۰	۰/۲۵۵۰	۰	؟	؟	۰
مجموع	۷/۱۰۶۱۶۴	۴/۵۸۵۷۳	۰/۳۰۸۹۷	۲/۱۵۵۸	۲/۱۴۴	۹/۱۴۹۹۱

### روابط اقتصادی امریکا - اسرائیل

پایه و اساس روابط اقتصادی متنوع امریکا - اسرائیل به موافقت‌نامه تجارت آزاد ۱۹۸۵ بازمی‌گردد. طی سال‌های پس از امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد، روابط تجاری دوجانبه اسرائیل - امریکا هفت‌برابر شده است. اسرائیل یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری امریکا در خاورمیانه محسوب می‌شود و مهم‌ترین بازار صادراتی اسرائیل، ایالات متحده است. اقتصاد هر دو کشور به بازار آزاد، رقابت، حمایت فعالانه از آزادسازی تجاری بین‌الملل و سامانه تجارت چندجانبه پایبند است. گفت‌وگوهای مستمری بین مقامات اسرائیلی و امریکایی برای ارتقای روابط اقتصادی و ادامه همکاری‌ها در جریان است. در همین ارتباط نیز چندین اتاق بازرگانی منطقه‌ای وجود دارد که گسترش و شکوفایی شرکت‌های اسرائیلی و امریکایی در بازارهای یکدیگر را تسهیل می‌کند.

## همکاری‌های راهبردی امریکا - اسرائیل

امریکا و اسرائیل همکاری‌های نظامی، سیاسی و راهبردی گسترده‌ای با یکدیگر دارند. این همکاری‌ها، کمک‌های امریکا، همکاری اطلاعاتی، رزمایش‌های نظامی مشترک و تعهد به حمایت از دموکراسی را نیز دربر می‌گیرد. کمک‌های نظامی امریکا به اسرائیل در اشکال مختلف از جمله، کمک بلاعوض، وام و تخصیص اعتبارات ویژه صورت می‌گیرد. تقریباً ۷۵ درصد از این کمک‌ها برای اشتغال‌زایی، پشتیبانی از صنایع دفاعی و افزایش رشد اقتصادی، در خود امریکا هزینه می‌شود. همکاری جامع امریکا - اسرائیل در زمینه موضوع‌های امنیتی در ۱۹۸۱ رسمی شد، که بر این اساس آریل شارون، وزیر دفاع وقت اسرائیل و کاسپر واینبرگر<sup>۱</sup> یادداشت تفاهمی را امضا کردند که تأییدی بر وجود پیوندهای مشترک و ایجاد روابط امنیتی متقابل بین امریکا - اسرائیل بود. امضای این یادداشت تفاهم آغازی بر همکاری‌های نزدیک امنیتی بین دو دولت بود. روابط راهبردی امریکا - اسرائیل، جنبه‌های دیگری را نیز دربر می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این روابط، به همکاری مشترک در گسترش سامانه ضد موشک‌های بالستیک موسوم به آرو<sup>۲</sup> مربوط می‌شود. این سامانه برای رهگیری و انهدام موشک‌های بالستیک طراحی شده است. نکته قابل ذکر اینکه این سامانه پیشرفته‌ترین سامانه دفاع موشکی در جهان محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاری در این برنامه به صورت مشترک است و نه تنها از اسرائیل در برابر حملات موشکی حفاظت می‌کند، بلکه تحقیقات و تجربیات مهمی را در راستای توسعه سامانه‌های دفاعی پیشرفته‌تر در اختیار امریکا قرار می‌دهد.

یکی دیگر از جنبه‌های همکاری‌های راهبردی طرفین به اقدامات ضد تروریستی مربوط می‌شود. در آوریل ۱۹۹۶، کلینتون و شیمون پرز، رؤسای جمهور وقت دولت‌های امریکا و اسرائیل، موافقت‌نامه‌ای را در همین راستا امضا کردند که براساس آن دو کشور موافقت کردند در تبادل اطلاعات، آموزش، بررسی، تحقیق و تعیین خط‌مشی‌های مربوطه، با یکدیگر همکاری‌های بیشتری داشته باشند. در حوزه امنیت ملی دو کشور نیز طرفین، همکاری‌های نزدیکی با یکدیگر دارند و

1. Casper Weinberger

2. Arrow

تاکنون اسرائیل کمک‌های برجسته‌ای را در این زمینه به امریکا ارائه داده است. مقامات امنیتی و اجرایی دو کشور مرتباً با یکدیگر دیدار و در مورد روش‌های نوین ضدتروریستی، جمع‌آوری اطلاعات و پیشگیری از تهدید به بحث و تبادل نظر می‌پردازند. در دسامبر ۲۰۰۵، امریکا و اسرائیل قراردادی را امضا کردند که براساس آن، همکاری مشترکی را در زمینه کشف و مبارزه با قاچاق مواد هسته‌ای و دیگر مواد پرتوزا با یکدیگر انجام دهند؛ استقرار تجهیزات ویژه در حیفا در این راستا است. این تلاش، بخشی از برنامه عدم اشاعه ایالات متحده نیز محسوب می‌شود که براساس آن، امریکا با کمک متحدان خود در صدد کشف و مبارزه با قاچاق غیرقانونی مواد هسته‌ای و دیگر مواد پرتوزا است (Wikipedia, 2010a).

### روابط نظامی امریکا - اسرائیل

روابط نزدیک نظامی اسرائیل - امریکا از یک سو بازتاب منافع امنیتی مشترک این دو در خاورمیانه و از سوی دیگر نشان‌دهنده نفوذ بیش از حد لابی یهود در ایالات متحده است (JIG, 2007a). از سال ۱۹۷۶، اسرائیل بزرگ‌ترین دریافت‌کننده سالانه کمک‌های نظامی و اقتصادی مستقیم، و در مجموع، بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک‌های خارجی ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود (Mark, 2005). اسرائیل به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین خریداران و استفاده‌کننده‌ها از تجهیزات نظامی امریکا، در زمینه‌های مختلف از جمله توسعه فناوری‌های نظامی و رزمایش‌های مشترک نیز با این کشور همکاری‌های گسترده‌ای دارد (JIG, 2007b). طی بیست سال نخست موجودیت اسرائیل، سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه حول دو موضوع اصلی جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی و جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی در منطقه قرار داشت. حامی اصلی نظامی اسرائیل در آن زمان فرانسه بود که تجهیزات پیشرفته نظامی را در اختیار این کشور قرار می‌داد. هرچند امریکا ابتدا در برابر فشارهای وارده توسط اسرائیل و کشورهای عربی منطقه مبنی بر فروش سلاح‌های پیشرفته به آنها مقاومت می‌کرد، اما در واکنش به تحویل هواپیماهای پیشرفته به عراق و جمهوری متحد عرب از جانب شوروی، تصمیم گرفت که در سال ۱۹۶۲، موشک‌های ضدهوایی هاوک را به اسرائیل بفروشد. البته مقامات امریکایی با بیان

این مطلب که این شرایط ویژه‌ای است و این موشک‌ها سلاح‌های دفاعی هستند، یادآور شدند که سیاست خارجی آمریکا در منطقه تغییر نکرده است. با این حال پس از آن آمریکا به منظور جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی در اردن، با فروش سلاح به اردن موافقت کرد و در مقابل، سلاح‌های مشابهی را در اختیار اسرائیل قرار داد (Wikipedia, 2010e).

هرچند آمریکا در اوایل دهه ۱۹۶۰، در صدد کنترل تسلیحات در منطقه برآمد، اما با افشای عرضه سلاح به اسرائیل از طریق آلمان غربی در سال ۱۹۶۵، ابتکار آمریکا ماهیت خود را از دست داد. براساس قرارداد محرمانه سال ۱۹۶۰، آمریکا تسلیحاتی به ارزش ۸۰ میلیون دلار به اسرائیل ارسال می‌کرد، که این کار از طریق آلمان غربی صورت می‌گرفت. پس از افشای این جریان، آمریکا در راستای تکمیل قرارداد خود، آشکارا اقدام به ارسال سلاح به اسرائیل کرد (Bard, 1991). سیاست خارجی آمریکا در منطقه پس از جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷، در واکنش به نفوذ شوروی در دول عربی به‌ویژه مصر، به‌طور محسوسی تغییر کرد. در همین راستا نیز در ۱۹۶۸، با حمایت قاطع کنگره، جانسون، فروش هواپیماهای فانتوم را به اسرائیل تأیید کرد. در جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳، آمریکا در پاسخ به کمک تسلیحاتی شوروی به دول عرب، با برقراری خطوط هوایی و دریایی، تجهیزات نظامی را در اختیار اسرائیل قرار داد (Dunstan & Lyles, 2003: 67). همکاری‌های نظامی دو جانبه با امضای قرارداد همکاری راهبردی در سال ۱۹۸۱ و شکل‌دهی گروه نظامی - سیاسی مشترک در ۱۹۸۳، رنگ‌وبوی دیگری به خود گرفت (Hadar, 1992: 75). رزمایش‌های نظامی دریایی و هوایی مشترک بین دو کشور از سال ۱۹۸۴ آغاز شد. با اعطای جایگاه متحد اصلی غیرناتو به اسرائیل در ۱۹۸۷، دسترسی این کشور به سلاح‌های پیشرفته آمریکایی بیش‌ازپیش هموارتر شد. به این ترتیب اسرائیل به بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک‌های نظامی آمریکا در جهان تبدیل شد. در سال ۱۹۹۱، طی جنگ خلیج فارس، آمریکا برای جلوگیری از تلافی اسرائیل در برابر حملات موشکی عراق، موشک‌های پاتریوت را به این کشور ارسال کرد. این موشک‌ها در جلوگیری از اصابت موشک‌های اسکاد موفقیت‌چندانی نداشتند (Simon, 1996). در دوران کلیتون در راستای تقویت توان نظامی اسرائیل، اجازه خرید بخشی از

تجهیزات نظامی جدید امریکا به ارزش ۷۰۰ میلیون دلار به اسرائیل داده شد و در جنگ لبنان (۲۰۰۶)، نیز امریکا نقش بسیار مهمی در ارائه سوخت و جنگ‌افزارهای هدایت‌شونده به اسرائیل ایفا کرد.

### فروش‌های نظامی امریکا به اسرائیل

اسرائیل بیش از هر کشور دیگری از مساعدت‌های نظامی امریکا بهره‌مند است. این مساعدت‌ها هم کمک‌های اعطایی را شامل می‌شود و هم فروش‌های نظامی به اسرائیل را دربر می‌گیرد. برخلاف کشورهای دیگری که کمک نظامی از ایالات متحده دریافت می‌کنند و ملزم هستند آن را در امریکا هزینه کنند، اسرائیل می‌تواند ۲۵ درصد از کمک‌ها را در پروژه‌های نظامی داخلی خود هزینه کند. از سال ۱۹۸۷، ایالات متحده به‌طور میانگین سالانه ۸/۱ میلیارد دلار را به شکل فروش‌های نظامی خارجی و کمک‌های نظامی خارجی در اختیار اسرائیل قرار داده و همین‌طور مبالغی را برای حمایت از تحقیق و توسعه به این کشور اختصاص داده است. در ژانویه ۲۰۰۱ و در اواخر دولت کلینتون یادداشت تفاهم دوجانبه‌ای بین طرفین به امضا رسید که براساس آن کمک‌های دفاعی امریکا به اسرائیل از ۸/۱ میلیارد دلار در هر سال به ۴/۲ میلیارد دلار افزایش یافت، درحالی‌که کمک‌های اقتصادی ۲/۱ میلیارد دلاری حذف می‌شد. بر این اساس سالانه ۶۰ میلیون دلار به کمک‌های دفاعی اضافه می‌شد تا در سال ۲۰۰۸ به مبلغ مورد توافق برسد، درحالی‌که کمک‌های اقتصادی، سالانه ۱۲۰ میلیون دلار کاهش می‌یافت تا به‌طور کامل حذف شود. بوش پسر به ایهود اولمرت اطمینان داده بود که این کشور به اسرائیل کمک می‌کند تا برتری کیفی خود را بر دیگر کشورهای خاورمیانه حفظ کند (Wikipedia, 2010e).

ایالات متحده بزرگ‌ترین ارائه‌کننده تجهیزات نظامی به اسرائیل است. اسرائیل بزرگ‌ترین ناوگان هواپیماهای اف ۱۶ را پس از ایالات متحده در اختیار دارد. با تحویل ۱۰۲ فروند اف ۱۶ آی‌اس، نیروی هوایی اسرائیل در مجموع ۳۶۲ فروند هواپیمای اف ۱۶ خواهد داشت. این درحالی است که اسرائیل ۱۰۶ فروند هواپیمای اف ۱۵ اس نیز در اختیار دارد (LM, 2001). اسرائیل برای بیشتر خریدهای نظامی خود به‌طور مستقیم با شرکت‌های امریکایی معامله می‌کند، با این حال خریدهای نظامی



ویژه نیازمند مجوز دولت ایالات متحده است.

### نتیجه‌گیری

روابط ایالات متحده و اسرائیل بخش بسیار مهمی از سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده را تشکیل می‌دهد. ایالات متحده نخستین کشوری بود که پس از اعلام موجودیت اسرائیل آن را به رسمیت شناخت و از آن زمان به بعد پیوندهای نزدیک این دو کشور در شکل روابط ویژه نمود یافته است، به طوری که تغییر سران امریکا و اسرائیل نیز نتوانسته است تأثیر چندان مهمی در روابط دو کشور ایجاد کند. هرچند این دو کشور فرازوفرودهایی را در روابط خود تجربه کرده‌اند، با این حال پیوندهای اساسی بین امریکا و اسرائیل آن‌چنان قوی است که به نظر نمی‌رسد در آینده نیز خللی در آن وارد شود. باراک اوباما نیز که در تلاش است تا چهره مخدوش شده ایالات متحده را در اذهان مسلمانان ترمیم کند بارها تعهد خود را به امنیت اسرائیل اعلام و از حفظ اتحاد دو کشور حمایت کرده است. کنگره ایالات متحده اهمیت زیادی برای این موضوع قائل است و به شدت از تحکیم و گسترش پیوندهای دو طرف حمایت می‌کند. دو کشور سال‌هاست به این نتیجه رسیده‌اند که تأمین منافع متقابل در صورتی امکان‌پذیر است که ایالات متحده با قدرت از اسرائیل حمایت کند و در کنار این کشور باقی بماند. بارها شاهد حمایت و پشتیبانی امریکا از اسرائیل در سطوح مختلف بین‌المللی بوده‌ایم. مهم‌ترین ویژگی این حمایت را می‌توان در میزان کمک‌های خارجی ارائه شده به اسرائیل دید که به‌طور کامل تحت نظارت کنگره قرار دارد. امریکا که خود را متعهد به برتری کیفی اسرائیل بر دشمنانش می‌داند همکاری‌های نظامی و امنیتی گسترده‌ای با این کشور داشته و در دستورکار دارد. دکتربین امنیتی اسرائیل که بر پایه سه رویکرد تقویت بازدارندگی متقابل، راهبردهای دفاعی و اتحادهای منطقه‌ای استوار است، بستر همکاری‌های دو کشور در عرصه نظامی و امنیتی است و در تحقق این رویکردها امریکا نقش و اهمیت کانونی دارد.

همکاری‌های گسترده دو کشور و حمایت‌های امریکا از اسرائیل باعث شده که اسرائیل با وجود کوچکی سرزمین، جمعیت کم و فقدان منابع، به‌عنوان یکی از

قدرتمندترین دولت‌های خاورمیانه مطرح شود. آمریکا با حمایت‌های سیاسی و اقتصادی خود از اسرائیل و به‌کارگیری استانداردهای دوگانه در قبال این کشور موجب شده است که اسرائیل به توسعه توانایی‌های هسته‌ای خود ادامه داده و از امضای پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای احتراز کند. در شکل‌دهی روابط ویژه دو کشور، نقش لابی‌های طرفدار اسرائیل در آمریکا بسیار پررنگ بوده است. کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل نیز در شکل‌دهی افکار عمومی و سیاست خارجی آمریکا در قبال خاورمیانه و تمهید کمک و پشتیبانی همه‌جانبه به اسرائیل در اشکال مختلف، نقش مهمی داشته و باعث افزایش قدرت اسرائیل شده است. در این میان نباید از سیاست ابهام هسته‌ای اسرائیل نیز چشم پوشید؛ سیاستی که منافع فراوانی برای اسرائیل دربر داشته است. اسرائیل با پیگیری سیاست ابهام هسته‌ای، ضمن ایجاد بازدارندگی مبهم هسته‌ای از کمک‌های خارجی آمریکا نیز حداکثر استفاده را می‌برد. این درحالی است که قانون کمک‌های خارجی و همین‌طور قانون کنترل صدور تسلیحات آمریکا، دولت این کشور را ملزم می‌کند تا محدودیت‌های وسیعی در ارائه کمک به کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای قائل شود. بر همین اساس نیز سیاست ابهام هسته‌ای اسرائیل عامل مهمی است که به تفاهم میان دو کشور کمک کرده و این هم به نفع ایالات متحده است چون برای سیاست عدم اشاعه این کشور مشکل‌ساز نمی‌شود و هم به نفع اسرائیل است چون بدون هیچ مشکلی بیشترین کمک‌های خارجی ایالات متحده را دریافت می‌کند. می‌توان این‌گونه گفت که پیگیری سیاست ابهام هسته‌ای، راهی برای دور زدن قوانین ایالات متحده و استفاده وسیع از کمک‌های این کشور است.

اینکه سیاست ابهام هسته‌ای اسرائیل تا چه زمانی تداوم خواهد داشت مشخص نیست. هنوز سیاست اعلامی اسرائیل این است که نخستین واردکننده سلاح‌های هسته‌ای به خاورمیانه نیست. اما مشخص نیست که وارد نکردن به معنی نساختن سلاح هسته‌ای است یا استفاده نکردن از چنین تسلیحاتی. با این حال مقامات اسرائیلی عنوان می‌کنند که تا به نتیجه نرسیدن روند صلح، هیچ تغییری در سیاست های هسته‌ای این کشور صورت نخواهد گرفت. اسرائیل بر این باور است که تمام موضوع‌های منطقه در راستای یکدیگر و نه جدا از هم قرار دارد. از سوی دیگر

ایالات متحده نیز به‌عنوان متحد استراتژیک اسرائیل با صراحت ارتباط بین خطرهای امنیتی اسرائیل و حفظ بازدارنگی را به‌عنوان آخرین حربه‌ای که اسرائیل به آن متوسل خواهد شد پذیرفته است. در همین راستا نیز از این سیاست اسرائیل حمایت کرده و موضوع‌های امنیتی و کنترل تسلیحات را در ارتباط با صلح خاورمیانه مورد بررسی قرار می‌دهد. دستیابی به صلحی پایدار در خاورمیانه برای امریکا بسیار مهم است. این موضوع در سیاست خاورمیانه‌ای باراک اوباما و همین‌طور تلاش‌های رؤسای جمهور پیشین امریکا در راستای ایجاد صلحی پایدار در خاورمیانه کاملاً مشخص است.

ناگفته نماند که واکنش امریکا در قبال برنامه هسته‌ای اسرائیل تا حدود زیادی راه را برای حرکت اسرائیل به سمت ابهام هسته‌ای هموار کرد. سابقه نشان می‌دهد که شیوه دستیابی اسرائیل به قابلیت هسته‌ای و راهکاری که برای اشاعه آن اندیشیده بود تحت تأثیر سیاست عدم اشاعه ایالات متحده در دهه ۱۹۶۰ قرار داشته است. گفت‌وگوهای امنیتی امریکا و اسرائیل در آن برهه زمانی نحوه تبدیل اسرائیل به کشوری مسلح به سلاح هسته‌ای را تعیین کرد. اسرائیل به‌طور مبهم و نه آشکار ضمن مراعات سیاست‌های امریکا و خودداری از بی‌اعتنایی به سیاست عدم اشاعه این کشور، به سلاح‌های هسته‌ای مجهز شد.

در هر حال شواهد نشان می‌دهد که در آینده نیز روابط این دو کشور بیش‌ازپیش مستحکم شده و تداوم خواهد داشت. هرچند اختلاف نظرهایی بین طرفین دیده می‌شود که عمدتاً به روند صلح خاورمیانه بازمی‌گردد، اما پیوند ایالات متحده - اسرائیل چنان عمیق است که به‌نظر نمی‌رسد این اختلاف نظرها نیز تأثیر مهمی در روابط ویژه این دو کشور در آینده داشته باشد. تاریخ روابط دو کشور شاهدی بر این مدعاست. \*



## منابع

### الف - فارسی

شون بام، دیوید. ۱۳۸۱. ایالات متحده و اسرائیل، ترجمه محمدرضا ملکی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ملکی، محمدرضا. تابستان ۱۳۸۳. «همکاری‌های نظامی - امنیتی امریکا و اسرائیل»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، سال نخست، پیش شماره دوم.

### ب - لاتین

AFP. June 4, 2009. *Obama admits US involvement in 1953 Iran coup*, Retrieved from, <http://www.news.yahoo.com/>.

Aljazeera. June 5, 2009. Full text: *Obama's Cairo Speech*, Retrieved from, <http://english.aljazeera.net/>

Associated Press (AP). June 4, 2009. *Obama Seeks Common Cause with Muslim World*, Retrieved from, <http://www.oregonlive.com/>.

Bard, Mitchell Geoffrey. 1991. *The Water's Edge and Beyond: defining the limits to domestic influence on U. S. Middle East policy*, Transaction Publishers, ISBN:0887383467.

BBC news. August 25, 2006. *US probes Israel cluster bomb use*, Retrieved from, <http://news.bbc.co.uk/>.

Berrigan, Frida; William D. Hartung. July 20, 2006. "U. S. Military Assistance and Arms Transfers to Israel: U. S. Aid, Companies Fuel Israeli Military", *Arms Trade Resource Center Reports*, World Policy Institute, Retrieved from, <http://www.worldpolicy.org/>.

Biden, Joseph. 2009. "Biden Foreign-Policy Speech: 'We Are Willing to Talk'", *The Wall Street Journal*, Retrieved from, <http://blogs.wsj.com/>.

CNN. February 9, 2009a. *Iranian lawmaker hopes Americas change their strategy*, Retrieved from, <http://edition.cnn.com/>.

CNN, (March 1, 2009b), *Iran likely has stuff to make nukes, U. S. military chief says*, Retrieved from, <http://edition.cnn.com/>.

Colvin, Ross. 2009. "Obama to reach out to Muslims in Egypt speech". *Reuters*. Retrieved from, <http://www.reuters.com/>





- Defense Security Cooperation Agency (DSCA) -News Release. (July 14, 2006). Israel-JP-8 Aviation Jet Fuel. Transmittal No. 06-40. Retrieved from, <http://www.dscamilitary.com/>.
- Dunstan, Simon, Lyles, Kevin. 2003. *The Yom Kippur War 1973: The Sinai*. Osprey Publishing. ISBN: 1841762210.
- Hadar, Leon. 1992. *Quagmire: America in the Middle East*. Cato Institute. ISBN:0932790941 .
- Jane's Information Group (JIG). 2007a. "United States: External Affairs," in *Jane's Sentinel: North America 2007* .
- Jane's Information Group (JIG). 2007b. "Israel: External Affairs," in *Jane's Sentinel: Eastern Mediterranean 2007*.
- Kershner, Isabel. 2009. "Israeli Elections and Gaza Violence Complicate New U. S. Envoy's Peace Mission." *The New York Times*. Retrieved from, <http://www.nytimes.com/>
- Lenczowski, George. 1990. *American Presidents and the Middle East*. Duke University Press. ISBN 0-8223-0972-6.
- Lockheed Martin (LM) press release. 2001. *More than 50 Lockheed Martin F-16s planned for Israel, more than \$2 billion value*. Retrieved from, <http://www.lockheedmartin.com/>
- Mark, Clyde. 2002. *Israeli-United States Relations*. Congressional Research Service.
- Mark, Clyde. 2005. "Israel: US Foreign Assistance". CRS Issue Brief for Congress. *Foreign Affairs Defense and Trade Division*. The Library of Congress.
- New York Times. January 21, 2009a. *Israel Complete Gaza Withdrawal*. Retrieved from, <http://www.nytimes.com/>
- New York Times. February 27, 2009b. *Obama's Speech at Camp Lejeune, N.C.* Retrieved from, <http://www.nytimes.com/>
- Office of the Press Secretary (OPS). 2009. "Briefing by White House Press Secretary Robert Gibbs," *Whitehouse.gov*. Retrieved from, <http://www.whitehouse.gov/>
- Ravid, Barak. 2009. "Clinton: Israel's demolition of East Jerusalem homes harms peace efforts." *Haaretz*. Retrieved from, <http://www.haaretz.com/>
- Ravid, Barak. August 16, 2007. "Israel, U. S. formally sign new defense aid agreement." *Haaretz*. Retrieved from, <http://www.haaretz.com/>
- Reuters. July 24, 2006a. *Israel to get U. S. "bunker buster" bombs - report*. Retrieved from, <http://www.alertnet.org/>
- Reuters. July 26, 2006b. *Rome talks yield no plan to end Lebanon fighting*. Retrieved from, <http://today.reuters.com>
- Rubenberg, Cheryl. 1986. *Israel and the American National Interest: A Critical Examination*. University of Illinois Press. ISBN 0-252-06074-1 .
- Sanger, David. March 18, 2000. "U. S. Ending a Few of the Sanctions Imposed on Iran." *The New York Times*. Retrieved from, <http://www.nytimes.com/>
- Sharp, Jeremy. December 4, 2009. *U. S. Foreign Aid to Israel*. CRS Report for Congress. Congressional Research Service.

- Simon, Alexander. July 15, 1996. *The Patriot Missile. Performance in the Gulf War Reviewed*. Retrieved from, <http://www.cdi.org/>
- Starr, Penny. 2009-05-05. "Hillary Clinton's \$900 Million Pledge to Palestinians Will Promote 'Hate Education', Panelists Say". *Cybercast News Service*. Retrieved from, <http://www.cnsnews.com/>
- Tarnoff, Curt; Nowels, Larry. April 15, 2004. *Foreign Aid: An Introductory Overview of U. S. Programs and Policy*, CRS Report for Congress. State Department. pp. 12-13, 98-916. Retrieved from, <http://fpc.state.gov/>
- Walker, Peter. April 9, 2010. "Netanyahu pulls out of Obama's nuclear conference." *Guardian*. Retrieved from, <http://www.guardian.co.uk/>
- Wikipedia. May 16, 2010a. *Israel-United States relations*. Retrieved from, <http://en.wikipedia.org/wiki/>
- Wikipedia. April 21, 2010b. *A New Beginning*, Retrieved from, <http://en.wikipedia.org/wiki/>
- Wikipedia. May 12, 2010c. *Middle Eastern foreign policy of the Barack Obama administration*. Retrieved from, <http://en.wikipedia.org/wiki/>
- Wikipedia. May 10, 2010d. *2010 Nuclear Security Summit*. Retrieved from, <http://en.wikipedia.org/wiki/>
- Wikipedia. May 23, 2010e. *Israel-United States military relations*. Retrieved from, <http://en.wikipedia.org/wiki/>
- Zabarenko, Deborah. March 1, 2009. "Iran not close to nuclear weapon: Gates". *Reuters*. Retrieved from, <http://www.reuters.com/>
- Zeleny, Jeff; Adam Cowell. June 4, 2009. "Addressing Muslim World, Obama Pushes Mideast Peace". *The New York Times*, Retrieved from, <http://www.nytimes.com/>

